



کار زیاد، مزد اندک؛

آواره گان افغان در گروتاجران پاکستان قرار دارند



قالین بافی صنعتی کهن و دیرینه در ولایت‌های شمال افغانستان است که با فرهنگ، اجتماع و اقتصاد باشندگان این حوزه جغرافیایی گره خورده است. انگشتان هنرآفرین بانوان خلاق حوزه شمال کشور، صنعت طلایی رنگ قالین را نقش‌ونگار می‌بخشد. این صنعت دیرینه کشور درست نیم قرن پیش با آغاز جنگ‌های داخلی در کشور و مهاجرت هزاران...

فقیرا انحراف اجتماعی؛

ماجرای دزدانی که مقداری روغن و برنج دزدیدند

فروپاشی نهادهای تحصیلی؛

دانشگاه‌های خصوصی یکی پی دیگر سقوط می‌کنند

مداخله گسترده طالبان در همه امور دانشگاه‌ها، کاهش چشم‌گیر شمار دانشجویان به‌ویژه پس از تعلیق تحصیل دختران و زنان و سیاست‌های تبعیض‌آمیز این گروه بر شناخت دانش مدرن، از عوامل مهم فروپاشی نهادهای تحصیلی خصوصی دانسته می‌شود.



یک نظامی پیشین در غرب کابل کشته شد



۸ صبح، کابل: منابع محلی در شهر کابل می‌گویند که یک تن از نظامیان حکومت پیشین توسط تفنگ‌داران ناشناس در این شهر کشته شده است. منابع روز شنبه، ۲۲ دلو، به روزنامه ۸ صبح می‌گویند که این نظامی پیشین رضا هزاره نام داشت و توسط تفنگ‌داران ناشناس کشته شده است. به گفته منابع، این رویداد حوالی ساعت ۱:۳۰ پس از چاشت جمعه، ۲۱ دلو، در چهارراهی شهید در غرب شهر کابل رخ داده است. برخی منابع دیگر می‌گویند که این نظامی پیشین از سوی طالبان کشته شده است. طالبان تاکنون در این مورد چیزی نگفته‌اند. گفتنی است که با روی کار آمدن طالبان در افغانستان، بازداشت، شکنجه و قتل نظامیان حکومت پیشین همواره جریان داشته است. در آخرین مورد به تاریخ ۲۰ دلو سال روان، سیدمعراج‌الدین، یک فرمانده ارتش حکومت پیشین در ولایت جوزجان، زیر شکنجه طالبان جان باخت.

اوزبیکستان و تاجیکستان چرخ‌بال‌های ارتش پیشین را به نیروهای مقاومت بدهند

است که باید روی ساختار نظام آینده افغانستان فکر و به‌گونه قاطع ایستاده‌گی شود. رهبر حزب جنبش با اشاره به کشته شدن نیروهای جبهه مقاومت ملی از سوی طالبان علاوه کرده است: «خون اندرابی‌ها و پنجشیری‌ها به زمین نخواهد ماند». عبدالرشید دوستم تاکید کرد که طالبان نمی‌مانند و از نیروهای مخالف این گروه خواست که «زودتر» بسیج شوند. وی از نیروهای مقاومت علیه طالبان خواست که

سراج‌الدین حقانی:

انحصار قدرت و تحمیل دیدگاه به سود ما نیست

در جنوب‌شرق افغانستان و در مراسم فراغت دانش‌آموزان یک مدرسه دینی بیان کرده است. حقانی ادامه وضعیت فعلی را غیر قابل تحمل دانسته و تاکید کرده که مردم از آنان فاصله خواهند گرفت. سراج‌الدین حقانی تاکید کرده که در شرایط فعلی نیاز است تا به زخم‌های مردم مرحم گذاشته شود.

هرچند سرپرست وزارت امور داخله طالبان به مورد خاصی از انحصار قدرت و تحمیل دیدگاه اشاره نکرده، اما ظاهراً هدف او مسدود ماندن دروازه مکاتب و دانشگاه‌ها به‌روی دختران و ممنوعیت کار زنان است که واکنش‌های گسترده منفی جامعه جهانی را نسبت به این گروه در پی داشته است.

اعتراف سراج‌الدین حقانی مبنی بر انحصار قدرت و تحمیل دیدگاه بالای مردم از سوی گروه طالبان، بیان‌گر اختلافات عمیق موجود میان سران این گروه است که اخیراً آمنه محمد، معاون دبیرکل سازمان ملل، پس از سفر به افغانستان از آن سخن گفته بود.



دوستم:



۸ صبح، کابل: رهبر حزب جنبش ملی افغانستان گفته است که اوزبیکستان و تاجیکستان باید چرخ‌بال‌های ارتش حکومت پیشین افغانستان را به نیروهای مقاومت بدهند و این چرخ‌بال‌ها باید توسط نیروهای مقاومت در ولایات استفاده شوند.

صفحه ۶

چهارپاره‌سرایی‌های محمود فارابی

بخش بزرگ شاعری محمود فارابی را چهارپاره‌سرایی او می‌سازد. تمام شعرهای او در هر سه گزینه به «۶۹» پارچه می‌رسد که از این میان «۴۶» پارچه آن در قالب چهارپاره سروده شده‌اند.



صفحه ۲

نیکلاسون:

پناه‌گاه امن سازمان‌های تندرو تبدیل شده است





نیکلاسون:

افغانستان به پناهگاه امن سازمان‌های تندرو تبدیل شده است



۸ صبح، کابل: نماینده ویژه اتحادیه اروپا برای افغانستان می‌گوید که این کشور به پناهگاه امن بسیاری از سازمان‌های تندرو و «ستیزه‌جویان جهادی» تبدیل شده است.

توماس نیکلاسون، نماینده ویژه اتحادیه اروپا برای افغانستان، روز شنبه، ۲۲ دلو، در گفت‌وگو با رسانه هندی ویون گفته است که با تهدیدهای فزاینده داعش، وضعیت افغانستان بدتر خواهد شد.

وی با اشاره به افزایش ناامنی در افغانستان و حمله‌ها در کشورهای همسایه، گفته است که این موضوع به نگرانی پاکستان و سایر کشورهای منطقه تبدیل شده است.

آقای نیکلاسون با اشاره به حمله‌ها بر نماینده‌گی‌های دیپلماتیک روسیه، پاکستان و چین در کابل و هدف قرار دادن وزارت‌های داخله و خارجه طالبان گفته است: «واضح است که یک تهدید امنیتی جدی در داخل کابل وجود دارد و این برای کسانی که در داخل کشور حضور دارند، بسیار نگران‌کننده است.» وی در خصوص خروج موقت دیپلمات‌های عربستان سعودی از کابل گفته است که در حال حاضر نمی‌تواند در مورد این تصمیم‌گیری اظهار نظر دقیقی داشته باشد.

نیکلاسون تاکید کرده که وضعیت امنیتی نگران‌کننده‌ای در کابل وجود دارد و طالبان تمام تلاش خود را برای محافظت از نماینده‌گی‌های

اختلافات درونی طالبان و گمانه‌زنی‌ها درباره آینده

در یکی دو هفته گذشته زمزمه‌هایی در حلقه‌های سیاسی وجود داشت که اختلافات درونی طالبان رو به افزایش است و احتمال دارد این امر منجر به زدوخوردهای داخلی میان این گروه شود و به تحوّل سیاسی در سطح کشور بینجامد. گرم شدن این بحث‌ها، نیروهای سیاسی مختلف را واداشت که روی احتمالات آینده تمرکز کنند و سناریوهای ممکن را با پیامدهای هر یک به بررسی بگیرند. در یک طرف، خوش‌بینی‌هایی به میان آمد که شاید بن‌بست کنونی بشکند و راهی برای عبور از این تنگنا گشوده شود؛ در طرف دیگر، نگرانی‌هایی نیز وجود داشت که شاید پیروزی یک جناح بر دیگری، سبب یک‌دست‌تر شدن حاکمیت گروه شود و امیدواری به هرگونه تحول را برای سالیان طولانی از میان بردارد.

سخن از اختلافات درونی طالبان از امروز نیست و به حلقه‌های سیاسی خلاصه نمی‌شود. در واقع، پیش از روی کار آمدن این گروه سخن از جناح‌های مختلف آن در میان بود؛ مانند طالبان شورای کویت، طالبان شبکه حقانی، طالبان شورای زاهدان و طالبان ملا رسول و منان نیازی. اختلاف و چنددسته‌گی طالبان پس از تسلط یافتن بر کابل بارزتر شد و خیریهایی غیررسمی به بیرون درز کرد که در داخل ارگ ریاست جمهوری بر همدیگر تیراندازی کرده‌اند. در همان زمان رسانه‌ها گزارش دادند که برای حل اختلافات داخلی این گروه، رییس استخبارات پاکستان به کابل آمد و از برخورد تمام‌عیار مسلحانه میان آنان جلوگیری کرد. با افزایش سخت‌گیری‌های طالبان بر مردم و به ویژه زنان، که ناخرسندی بسیاری از کشورها و سازمان‌های بین‌المللی را در پی داشته، دوباره بحث از اختلافات درونی طالبان گرم شد. در شبکه‌های اجتماعی از قول برخی از نهادهای پژوهشی مانند بروکینگز در امریکا گفته شد که چهره‌هایی مانند ملا یعقوب، ملا برادر، سراج‌الدین حقانی و شماری دیگر، با رویکرد امیرالمومنین طالبان و حلقه قدرت‌مند پیرامون او که کنترل گروه را به دست دارند، مخالف هستند، اما می‌توانند که اگر مخالفت‌شان را به شکل جدی بروز دهند، اعدام شوند. ظاهراً این تعداد در ملاقات با مقام‌های خارجی ناخرسندی شدید خود از رهبرشان را نشان می‌دهند، اما در برابر خودش بر اطاعت و فرمان‌بری‌شان تأکید می‌کنند.

با آن که اختلافات درونی طالبان، اگر به صورت جدی وجود داشته باشد، برای برخی از جریان‌های سیاسی امیدوارکننده است و آن را فرصتی احتمالی برای عبور از این وضعیت می‌دانند، اما حساب باز کردن روی این قضیه گاهی با خوش‌بینی‌های ساده‌لوحانه‌ای در هم می‌آمیزد. آن چه به یقین در این باره می‌دانیم این است که جناح‌های مختلف این گروه در چارچوب فکری و ایدئولوژیک خود فرقی ندارند، اما در سطح تاکتیکی و نحوه برخورد با مردم و منتقدان، نظرات متفاوتی دارند. شماری از آنان تنها به کسانی اعتماد دارند که به امیرالمومنین‌شان تعهد و وفاداری قطعی داشته باشد، اما شماری دیگر، آماده‌گی دارند با عناصری از گروه‌های سیاسی دیگر که دارای افکار طالبانی هستند، اما به لحاظ تباری یا سیاسی مخالف این گروه‌اند، راهی به همکاری و اتحاد پیدا کنند. به همین ترتیب، موضوع آموزش دختران از نظر یک شمارشان باید به‌گونه‌ای حل شود که اعتراضات مردم و جامعه جهانی را کاهش دهد؛ اما درباره مسایل بنیادی مانند بازگشت به رای مردم، حاکمیت قانون اساسی، محدودیت صلاحیت‌های رهبر، تمرکززدایی از ساختار قدرت و نوع رابطه با تروریسم بین‌المللی، تفاوتی جدی میان‌شان وجود ندارد. خوش‌بینی وقتی معنا دارد که در این زمینه‌ها تحوّل در داخل این گروه رخ بدهد و نشانه‌هایی از شکل‌گیری جریانی دارای دیدگاه متفاوت، معتقد به تکرر و باورمند به خواست مردم دیده شود.

پایان مأموریت کاردار سفارت بریتانیا؛ شورتز بی‌ثباتی در افغانستان منجر به احیای داعش خواهد شد

۸ صبح، کابل: هوگو شورتز، کاردار سفارت بریتانیا برای افغانستان، از پایان مأموریتش در این کشور خبر داده است.

شورتز روز شنبه، ۲۲ دلو، همزمان با اعلام خبر پایان کارش در رشته‌توییت‌هایی به برخی از تحولات در افغانستان، از جمله بی‌ثباتی سیاسی و خطر احیای داعش در این کشور اشاره کرده است.

کاردار سفارت بریتانیا برای افغانستان هشدار داده است که بی‌ثباتی و درگیری‌های داخلی در افغانستان منجر به عمیق‌تر شدن بحران انسانی و احیای مجدد داعش در این کشور خواهد شد. هوگو شورتز با تاکید بر حمایت بریتانیا از افغانستان «با ثبات و صلح‌آمیز» گفته که اولویت این کشور در حال حاضر نجات جان ۲۸ میلیون شهروند افغان است که نیاز جدی به کمک‌های بشردوستانه دارند.

به گفته شورتز، بریتانیا در جریان یک‌ونیم سال تسلط طالبان، ۶۰۰ میلیون دالر کمک بشردوستانه برای مردم افغانستان ارایه کرده است.

این دیپلمات بریتانیایی همچنان تأکید کرده است که محدودیت‌های وضع‌شده بر زنان و دختران، آزادی‌های اساسی مردم افغانستان را تضعیف کرده و برای رشد و ثبات درازمدت این کشور مضر است.

شورتز افزوده است: «این یک دیدگاه غربی نیست، بلکه منعکس‌کننده هنجارهای جهانی است که با کشورهای مسلمان‌نشین وجه مشترک دارد.»

کاردار سفارت بریتانیا برای افغانستان در آخر گفته که ثبات در افغانستان نیازمند باز نگه داشتن دروازه‌های گفت‌وگو و مشارکت گروه‌های سیاسی مختلف است.

هوگو شورتز، در ماه جدی سال ۱۴۰۰ به عنوان کاردار سفارت بریتانیا در افغانستان گماشته شد.



طالبان: در سه ماه گذشته

۱۴۴ «جسد ناشناس»

را دفن کرده‌ایم

۸ صبح، کابل: شهرداری طالبان در کابل می‌گوید که در سه ماه گذشته مجموعاً ۱۴۴ «جسد ناشناس» را دفن کرده است.

شهرداری طالبان در کابل روز شنبه، ۲۲ دلو، با نشر رشته‌توییتی نوشته است که ۳۰ «جسد ناشناس» را امروز در قبرستانی در ناحیه ۲۰ دفن کرده‌اند. به گفته این نهاد، شماری از اجساد در جریان پاک‌کاری زیر پل سوخته از انبارهای زیاله کشیده شده‌اند.

در این رشته‌توییت آمده است: «مراسم دفن این اجساد پس از مرحله تشخیص از سوی طب عدلی و صدور جواز دفن توسط ریاست امور کلتوری این شهرداری، انجام شده است.»

از سوی دیگر، شهرداری طالبان در کابل گفته است که «قبرستان‌های معیاری» در نقاط مختلف این شهر ساخته خواهد شد.

این نهاد اضافه کرده است که در منطقه موسی‌هی در نزدیکی ناحیه ۲۰، قبرستان زون جنوب شهر را با مساحت ۳۹۷ جریب برای احترام به «اموات امت مسلمان و تحقق نظم شهری» ایجاد کرده است. تا کنون مشخص نشده است که جنازه‌های کشف‌شده متعلق به چه کسانی بوده و این افراد چگونه و چرا از بین رفته‌اند. نهاد‌های امنیتی طالبان نیز در مورد چگونگی و چرایی مرگ آن‌ها چیزی نگفته‌اند.

ریچارد بنت خواستار آزادی

فوری پریسا مبارز شد



منابع محلی به روزنامه ۸ صبح گفته‌اند که نیروهای استخبارات طالبان ساعت ۸:۰۰ صبح شنبه، ۲۲ دلو، وارد خانه پریسا مبارز در گولایی باغ شهر تالقان، مرکز ولایت تخار شده و او و برادرش رحمت‌الله را با خود برده‌اند.

گفتنی است که جنبش زنان تخار دو ماه پیش در این ولایت شکل گرفت و تاکنون چندین اعتراض را در پیوند به نقض حقوق زنان، از جمله حق تحصیل، کار و آزادی، در تخار راه‌اندازی کرده است.

بازداشت دختران و زنان از سوی طالبان موضوعی تازه نیست. پیش از این نیز این گروه بارها دست به بازداشت شماری از زنان معترض زده است.

طالبان یک دختر معترض و برادرش را در تخار بازداشت کردند



۸ صبح، تخار: منابع محلی در تخار می‌گویند که طالبان پریسا مبارز، یکی از دختران معترض عضو جنبش زنان تخار و برادرش را بازداشت کرده‌اند.

به گفته این منابع، استخبارات طالبان ساعت ۸:۰۰ صبح روز شنبه، ۲۲ دلو، وارد خانه پریسا مبارز، در گولایی باغ از مربوطات شهر تالقان، مرکز تخار، شده و سپس وی و برادرش، رحمت‌الله را برده‌اند.

این منابع می‌افزایند که طالبان تاهنوز به خانواده پریسا اجازه دیدار با او را ندادند.

برادر پریسا مستری است و ربطی به اعتراضات ندارد. طالبان در مورد بازداشت این دو تن چیزی نگفته‌اند. جنبش زنان تخار دو ماه پیش در این ولایت شکل گرفت و چندین اعتراض در پیوند به نقض حقوق

درخواست همکاری‌های صحی؛

وزیر صحت طالبان به ایران سفر کرد

۸ صبح، کابل: وزارت صحت عامه گروه طالبان گفته است که قلندر عباد، سرپرست این وزارت، در یک سفر رسمی به ایران رفته است.

این وزارت با نشر اعلامیه‌ای روز شنبه، ۲۲ دلو، گفته است که قلندر عباد برای دیدار با وزیر صحت ایران و گفت‌وگو در مورد همکاری‌های دوجانبه به آن کشور رفته است. هدف از این سفر درخواست همکاری‌های صحی در بخش‌های مختلف از جمله ارتقای ظرفیت

انستیتوت درمانی سرطان در افغانستان عنوان شده است. وزارت صحت عامه طالبان گفته است که اوضاع صحی مهاجران افغان در ایران و نیز گسترش و ارتقای ظرفیت شفاخانه‌هایی که از سوی ایران در بامیان و کابل ساخته شده است، نیز از محورهای بحث خواهد بود.

قرار است سرپرست وزارت صحت طالبان در کنفرانس صحی جی‌۵ در ایران نیز اشتراک کند.

دانشگاه‌های خصوصی یکی پی دیگر سقوط می‌کنند

دانشگاه‌های خصوصی در افغانستان پس از برگشت دوباره طالبان به قدرت، با وضعیت نامساعدی روبه‌رو شده‌اند. مداخله گسترده طالبان در همه امور دانشگاه‌ها، کاهش چشم‌گیر شمار دانشجویان به‌ویژه پس از تعلیق تحصیل دختران و زنان و سیاست‌های تبعیض‌آمیز این گروه بر شناخت دانش مدرن، از عوامل مهم فروپاشی نهادهای تحصیلی خصوصی دانسته می‌شود.



امین کاوه

رشد نهادهای تحصیلی خصوصی از لحاظ کیفی و کمی، از دستاوردهای مهم دو دهه گذشته شمرده می‌شود. این نهادها بستر

تحصیل و آشنایی با علوم عصری را برای هزاران مشتاق علم و دانش فراهم ساخته‌اند که با تسلط طالبان بر کشور و وضع محدودیت‌های سخت‌گیرانه بر دختران و زنان، در حال فروپاشی کامل قرار دارند. براساس اظهارات مسوولان اتحادیه دانشگاه‌ها و نهادهای تحصیلات عالی خصوصی، بیش از ۳۰ دانشگاه و نهاد تحصیلی خصوصی قرار است به دلایل مشکلات اقتصادی فعالیت‌های خود را توقف دهند. شماری از استادان دانشگاه‌ها اما افت نظام اخلاقی و کاهش مضمون‌های تخصصی را از دلایل عمده توقف فعالیت دانشگاه‌های خصوصی می‌دانند و تاکید می‌ورزند که مداخله طالبان در نصاب آموزشی و بها دادن به مضامین غیرضروری، از چالش‌هایی است که سرمایه‌گذاران در بخش تحصیلات عالی خصوصی را نسبت به آینده بی‌باور ساخته است.

دانشگاه‌های خصوصی در افغانستان پس از برگشت دوباره طالبان به قدرت، با وضعیت نامساعدی روبه‌رو شده‌اند. مداخله گسترده طالبان در همه امور دانشگاه‌ها، کاهش چشم‌گیر شمار دانشجویان به‌ویژه پس از تعلیق تحصیل دختران و زنان و سیاست‌های تبعیض‌آمیز این گروه بر شناخت دانش مدرن، از عوامل مهم فروپاشی نهادهای تحصیلی خصوصی دانسته می‌شود. در این گزارش با شماری از استادان دانشگاه‌ها و منابع در نهادهای تحصیلی خصوصی صحبت شده که همه از سیاست‌های افراط‌گرایانه طالبان در قبال نصاب آموزشی دانشگاه‌ها شکایت دارند. این در حالی است که پیش از این روزنامه ۸ صبح به سندی دست یافته بود که بر بنیاد آن طالبان نصاب آموزشی معارف را نیز تغییر داده‌اند.

در تازه‌ترین مورد «دانشگاه افغانستان» با نشر اعلامیه‌ای گفته است که به دلیل مشکلات اقتصادی، فعالیت‌هایش را متوقف می‌کند. این نهاد تحصیلی خصوصی روز چهارشنبه، ۱۹ دلو، اعلام کرد که بنا بر مشکلات اقتصادی ناشی از ترک تحصیل دانشجویان و منع تحصیل دختران، تصمیم به فروش این نهاد تحصیلی گرفته است و در صورت عدم فروش، به تعلیق فعالیت این دانشگاه اقدام خواهد شد. در اعلامیه این نهاد تحصیلی آمده است: «خاطر نشان می‌سازیم که بنا بر مشکلات عدیده اقتصادی ناشی از ترک تحصیل محصلان و منع آموزش دختران، هیأت موسس دانشگاه افغانستان تصمیم به فروش و یا در صورت عدم فروش، تعلیق دانشگاه گرفته است. به این لحاظ دانشگاه از ابتدای سمستر بهاری سال ۱۴۰۲ فعالیت نخواهد داشت.» این دانشگاه اما روشن نساخته که چه تعداد دانشجویان داشته است و سرنوشت آن‌ها چه خواهد شد. در کنار این، اتحادیه دانشگاه‌ها و نهادهای تحصیلات عالی خصوصی از بسته شدن بیش از ۳۰ نهاد تحصیلی خصوصی در کشور خبر داده و گفته است که این نهادها بنا بر مشکلات اقتصادی فعالیت‌هایشان را

متوقف می‌سازند. مسوولان اتحادیه توضیح داده‌اند در صورتی که طالبان در سیاست ممنوعیت تحصیل دختران و زنان تجدید نظر نکنند، همه نهادهای تحصیلی خصوصی یکی پس از دیگر بسته خواهند شد.

واکنش دانشجویان به بسته شدن دانشگاه‌های خصوصی

شماری از دانشجویان دختر در صحبت با روزنامه ۸ صبح می‌گویند که حداقل نیمی از دانشجویان دانشگاه‌های خصوصی را زنان تشکیل می‌دادند و در نبود این دانشجویان، بخش بزرگی از منابع مالی و فکری این نهادها از دست رفته است و آن‌ها یکی پی دیگری سقوط خواهند کرد.

فرشته نوری (نام مستعار) یکی از دانشجویان دانشگاه افغانستان است. این دانشجو در اعتراض به بسته شدن این دانشگاه می‌گوید: «یک سوی بدبختی ما طالب و سوی دیگر نهادهایی که هیچ ارزشی به سرنوشت دانشجویان نمی‌دهند. وقتی پول بود، کار می‌کردند و حالا که فشار اقتصادی آمده است، همه را بی‌سرنوشت رها می‌کنند و می‌روند. سرنوشت زنان سیاه شده، سرنوشت دانشجویان پسر چه می‌شود؟ پسران که حداقل صنف سوم دانشگاه را ختم کرده‌اند. کی در برابر بی‌سرنوشتی این‌ها مسوول است؟ چرا سرنوشت مردم برای سرمایه‌گذاران اهمیت ندارد؟»

این دانشجو تاکید می‌ورزد که نهادهای تحصیلی خصوصی در کنار سرمایه‌گذاری و منفعت‌های اقتصادی، باید تعهد اخلاقی و قانونی نیز در قبال سرنوشت دانشجویان داشته باشند. به گفته دانشجویانی که با حضور و منابع مالی‌شان در رونق این دانشگاه‌ها نقش ایفا کرده‌اند، باید فکری برای سرنوشت آن‌ها نیز صورت بگیرد.

گیتی صدیقی، دانشجوی صنف سوم رشته حقوق و علوم سیاسی یکی از دانشگاه‌های خصوصی در کابل است. او به دلیل امیدوار بودن به ادامه تحصیل، هنوز هم نمی‌خواهد نام دانشگاهی که درس می‌خوانده را فاش کند؛ زیرا آرزو دارد روزی به صنفش برگردد و خاطر کارمندان این نهاد تحصیلی آزرده نشود. خانم صدیقی می‌گوید: «می‌بینیم که با آمدن طالب‌ها نه تنها آرزوهای ما با خاک یک‌سان شده، بلکه همه دستاوردها و فداکاری‌های بیست‌ساله مردم افغانستان در حال نابودی کامل قرار دارد. تداوم این وضعیت کشنده است. امیدوارم نهادهای تحصیلی خصوصی اندکی قربانی بدهند، تاب بیاورند و نگذارند مشعلی را که برافروخته‌اند، خاموش شود.»

احمد میشر، دانشجوی دوره لیسانس یکی از دانشگاه‌های خصوصی است. او در صحبت با روزنامه ۸ صبح می‌گوید: «فعلاً وضعیت دانشگاه ما تاسف‌بار است. امید نیست، انگیزه نیست، همه می‌ترسند. شاگرد از استاد می‌ترسد، استاد از شاگرد می‌ترسد. یک رقم فضا پولیسی است. این حالت در مکان آکادمیک واقعاً خسته‌کننده است. همه می‌ترسند. کسی درست صحبت کرده نمی‌تواند. آزادی بیان و اندیشه وجود ندارد. در هر صنف مخبرهای طالبان هستند. وضعیت برایم خیلی خسته‌کن است. در این وضعیت اگر دانشگاه

باز هم باشد، آدم از ترس چیزهایی را یاد می‌گیرد که به درد دانش مدرن نمی‌خورد.»

شماری از دانشجویان و استادان دانشگاه‌های خصوصی به این باورند که در کنار مشکلات مالی، عدم استقلال فکری و وضع محدودیت‌های دست‌وپاگیر از سوی طالبان، افزایش مضامین اجباری و مداخله بیش از حد این گروه در امور دانشگاه‌ها، امید و انگیزه را از دست‌اندرکاران نهادهای تحصیلی خصوصی و دانشجویان گرفته است.

واکنش استادان در قبال فروپاشی نهادهای تحصیلی خصوصی

شاکر حیات (نام مستعار) استاد یکی از دانشگاه‌های خصوصی است که هم‌زمان در چندین دانشگاه دیگر نیز تدریس می‌کند. او در صحبت با روزنامه ۸ صبح، نبود «سیاست دولتی» در قبال دانشگاه‌ها، افت مضامین آکادمیک و گسترده‌گی فقر را از عوامل عمده فروپاشی نظام تحصیلی خصوصی در کشور می‌داند.

آقای حیات معتقد است که نبود سیاست دولتی در عقبه دانشگاه‌ها، موسسان دانشگاه‌ها را نسبت به آینده سرمایه‌گذاری‌شان در این عرصه بی‌باور ساخته است. به گفته او، حمایت دولتی زمانی صورت می‌گیرد که در کشور دولت مشروع وجود داشته باشد و قوانینی را وضع کند که بر بنیاد آن دانشگاه‌ها بتوانند به‌صورت مستقل عمل کنند و نسبت به آینده امیدوار باشند. او می‌افزاید: «وزیر تحصیلات عالی طالبان [می‌گوید] به نام علم و امثالهم مورد اعتبار ما نیست. کسانی که به‌گذاری کردند، نزد ما چندین مرتبه بارز تر نسبت به کسانی هستند که در دانشگاه‌ها تدریس می‌کنند.» این استاد دانشگاه عمده‌ترین دلیل سقوط دانشگاه‌ها را «نبود مضامین آکادمیک» می‌داند و تاکید می‌ورزد که جوهر وجودی دانشگاه‌ها را مضامین اساسی و آکادمیک تشکیل می‌دهند؛ زیرا به سخن او، نهادهای تحصیلی از این طریق می‌توانند به رشد استعدادها بپردازند، ذهنیت‌سازی کنند و به اهداف تعیین شده دست یابند. به گفته او، در حال حاضر مضمون فلسفه و برخی از مضامین حقوقی دیگر در دانشگاه‌ها تدریس نمی‌شود. او دلیل عدم تدریس مضامین حقوقی را جرم‌انگاری اعمال تروریستی می‌داند.

آقای حیات تاکید می‌ورزد: «بعضی از مضامین حقوقی دیگر تدریس شده نمی‌توانند؛ چون در آن‌ها جرایم تروریستی جرم‌انگاری شده‌اند. هیچ استادی این مضامین را تدریس کرده نمی‌تواند؛ چرا که در آن‌ها انفجار، انتحاری و سایر اعمال تروریستی جرم‌انگاری شده‌اند. در این مضامین گفته شده که هرگاه کسی مرتکب اعمال تروریستی شود، به چه‌قدر زندان محکوم می‌شود و استاد جرئت نمی‌تواند این مضامین را تدریس کند.» این استاد دانشگاه دلیل دیگر ورشکستگی دانشگاه‌های خصوصی را گسترده‌گی فقر می‌داند. او می‌افزاید: «اکثریت مردم زیر خط فقر قرار دارند. اقتصاد سیر نزولی پیدا کرده است و مردم نمی‌توانند فیس بپردازند. فیس که نباشد، استاد تدریس نمی‌کند، بناءً دانشگاه‌ها نمی‌توانند به فعالیت ادامه بدهند؛ چون هزینه‌ها و مصارف خود را پره کرده نمی‌توانند.»

به گفته آقای حیات، شمار دانشگاه‌های خصوصی که در حال فروپاشی و سقوط قرار دارند، بیشتر از ۳۵ دانشگاه از سوی اتحادیه دانشگاه‌های خصوصی اعلام شده است. او تاکید می‌ورزد: «از ۱۱۰ دانشگاه که فعالیت می‌کردند، در آینده هم منجر به شکست خواهند شد.» با این حال باسطن قانت، یکی از استادان دانشگاه، به این نظر است که «نظام اخلاقی در دانشگاه‌ها» افت کرده است. او در صحبت با روزنامه ۸ صبح می‌گوید که بعد از آمدن طالبان «نظام اخلاقی حتا در دانشگاه‌ها افت کرد و ما هم نتوانستیم تحمل کنیم، ترک کردیم.» آقای قانت می‌افزاید که در حال حاضر چندین دانشگاه را سراغ دارد که فعالیت‌هایشان را متوقف می‌کنند. به گفته او، شرکای چندین دانشگاه سهم خود را فروخته و دروازه‌شان را بسته‌اند.» این استاد دانشگاه نیز معتقد است: «شماری از دانشگاه‌هایی که فعالیت‌هایشان متمرکز به رشته‌های دیگر بود، امروز مفعول مانده و به آن‌ها توجه نمی‌شود. وقتی وضعیت قسمی بیاید که دیگر رشته‌ها به غیر از علوم شرعی و دینی، علم دانسته نشود و به آن‌ها بها داده نشود، طبیعی است که وضعیت بحرانی است.»

آقای قانت وضع ممنوعیت بر ادامه تحصیل دختران و زنان را که نزدیک به نیمی از دانشجویان دانشگاه‌های خصوصی را تشکیل می‌دادند، از عوامل دیگر ورشکستگی دانشگاه‌های خصوصی در کشور می‌داند. او تصریح می‌کند که حداقل ۴۰ درصد دانشجویان این نهادها را دختران تشکیل می‌دادند که در حال حاضر خانه‌نشین هستند. به سخن او، استادان زن نیز بیکار شده‌اند و دانشگاه‌های خصوصی نمی‌توانند مصارف‌شان را تکمیل کنند، بناءً ناگزیرند دروازه‌های خود را بسته کنند.

نهادهای تحصیلی خصوصی در حالی از وضع محدودیت‌های گسترده در این نهادها شکایت دارند که پیش از این وزارت امر به معروف و نهی از منکر طالبان گفته بود که نظارت بر موسسه‌های تحصیلات عالی خصوصی را افزایش می‌دهد. این وزارت روز پنج‌شنبه، ۳۱ سنبله، در خبرنامه‌ای گفت که نهادهای تحصیلی خصوصی باید فعالیت‌شان را با شریعت و ارزش‌های اسلامی برابر کنند؛ اقدامی که از سوی استادان و دانشجویان، مداخله مستقیم در امور دانشگاه‌ها و زیر سوال بردن استقلال فکری و کاری این نهادها خوانده شده است.

براساس معلومات وبسایت وزارت تحصیلات عالی در زمان جمهوریت، ۱۴۰ موسسه تحصیلات عالی خصوصی در کشور جواز فعالیت گرفته‌اند. این در حالی است که براساس معلومات اتحادیه دانشگاه‌های خصوصی بیش از ۳۰ نهاد تحصیلی مسدود شده‌اند. از سوی دیگر، نهادهای تحصیلی خصوصی در حالی از کمبود منابع مالی، کاهش دانشجو و وضع محدودیت شکایت دارند که با تسلط طالبان بر افغانستان، صدها استاد و دانشجو کشور را ترک کرده‌اند. همچنان بر بنیاد آمارهای ارایه‌شده از سوی اتحادیه دانشگاه‌ها و نهادهای تحصیلات عالی خصوصی، در کنار دانشجویان شش هزار کارمند این نهادها نیز برکنار شده و یا ترک وظیفه کرده‌اند.

سناریوهای سه‌گانه؛

آینده بحران سیاسی افغانستان



ادامه وضعیت موجود یکی از سناریوهایی است که آینده بحران سیاسی افغانستان و حاکمیت طالبان با آن مواجه است. در این سناریو احتمال دارد که با توجه به تحولات اتفاق افتاده و در حال وقوع جهان چون جنگ اوکراین و حمله احتمالی چین به تایوان، افغانستان برای مدتی مانند دهه ۹۰ و پایان جنگ سرد از چشم دنیا و کانون تحولات جهانی دور بماند و طالبان به حاکمیت‌شان یک تا سه سال دیگر ادامه بدهند.

شوک سیاسی - امنیتی فروپاشی جمهوریت در نیمه‌های آگست ۲۰۲۱ و تسلط مجدد و غیرمنتظره طالبان بر کابل، خیلی سنگین‌تر و ویران‌کننده‌تر از آن است که ما تصورش را می‌کنیم. بسیاری به این باورند که یک جابه‌جایی بدون درگیری و خشونت و یک انتقال کم‌هزینه و آرام در عرصه قدرت سیاسی کشور انجام پذیرفته است؛ اما وقتی بررسی دقیق و کارشناسانه از ابعاد و چگونگی فروپاشی جمهوریت و خروج فاجعه‌بار امریکا و پیامدهای آن در افغانستان پسا ۱۵ آگست ۲۰۲۱ داشته باشید، به کوتاه‌فکری، ساده‌انگاری و سطحی‌اندیشی نگاه خوش‌بینانه کنش‌گران همسو با طالبان پی می‌برید. گسترده‌گی ابعاد فروپاشی نظام جمهوریت خیلی بزرگ‌تر و وحشت‌ناک‌تر از این جهت است که این فروپاشی ارزش‌ها و هنجارهای شکل‌گرفته در بستر پرفراز و فرود تاریخی دو دهه اخیر از جمله دموکراسی و ارزش‌های جهان‌شمول آن، ارتش و نهادهای امنیتی، ساختارهای حکومت‌داری ملکی، زیرساخت‌های نیم‌بند اقتصادی، جامعه فکری و نخبه‌گان، حق آموزش، حقوق زنان و حقوق بشر، آزادی‌های سیاسی و فردی و کوتاه سخن این‌که هر چه از جنس دنیای امروز و به قول پست‌مدرن‌ها ارزش‌های پذیرفته‌شده و مورد قبول جهان امروز بود را با خود دفن کرده است. در واقع می‌شود گفت که تاریخ سیاسی افغانستان شاهد یک دگرگونی و ازجانده‌گی عظیم بوده است، به‌گونه‌ای که به یک‌باره‌گی جامعه ما به بیست سال قبل پرتاب شد. این خود بیانگر عمق فاجعه و گسترده‌گی بحران است.

اندکی بعد نزدیک به دو سال می‌شود که افغانستان توسط حاکمان جدید یعنی گروه طالبان مدیریت و رهبری می‌شود؛ گروهی که در پی جنگ و خون‌ریزی و توافق و معامله سیاسی قبضه قدرت افغانستان را برای دومین بار در فاصله زمانی بیست‌ساله به دست گرفته است. هر چند امیدواری‌های محافل داخلی و خارجی در روزها و ماه‌های نخست حاکمیت طالبان این بود که این گروه تغییر کرده است و دیگر به عقب برنمی‌گردد و با اندیشه‌ها و تفکرات سخت‌گیرانه و تفسیر/هرمنوتیک خود از اسلام خداحافظی کرده است، اما گذر زمان، حاکمیت و عمل‌کرد حدود بیست‌ماهه این گروه به‌وضاحت دیرینه‌گی و درهم‌تنیده‌گی طالبان را با گذشته‌شان و پیوند عمیق این گروه را با ارزش‌های فکری و تاریخی‌شان به نمایش گذاشته است. به‌گونه‌ای که هیچ نشانه‌ای



محمدناصر وطن‌یار

از تغییر در وجود طالبان دیده نمی‌شود. می‌توان گفت که وضعیت موجود ادامه همان تفکر قبلی و همان روایت تاریخی است که در دهه ۹۰ به دنبال آن بودند و هیچ تغییری نکرده‌اند. هر چند ادامه وضعیت کنونی غیر قابل پذیرش در سطح ملی و فراملی بوده و حوصله همه سر آمده است؛ اما پرسشی که خلق می‌شود و ذهن هر افغانستانی را به خود مشغول می‌کند، این است که این وضعیت به کجا منتهی می‌شود و چه سناریوهایی برای آینده بحران سیاسی افغانستان وجود دارد. با توجه به عمل‌کرد نزدیک به دوساله طالبان، انزوای شدید دیپلماتیک و رنج بردن این گروه از ناحیه مشروعیت ملی و واقعیت‌های موجود افغانستان تحت حاکمیت این گروه، سه سناریو را می‌شود برای آینده بحران سیاسی کشور پیش‌بینی کرد.

سناریوی اول: ادامه وضعیت موجود (امکان تحقق کم)

ادامه وضعیت موجود یکی از سناریوهایی است که آینده بحران سیاسی افغانستان و حاکمیت طالبان با آن مواجه است. در این سناریو احتمال دارد که با توجه به تحولات اتفاق افتاده و در حال وقوع جهان چون جنگ اوکراین و حمله احتمالی چین به تایوان، افغانستان برای مدتی مانند دهه ۹۰ و پایان جنگ سرد از چشم دنیا و کانون تحولات جهانی دور بماند و طالبان به حاکمیت‌شان یک تا سه سال دیگر ادامه بدهند. این سناریو بدترین، وحشت‌ناک‌ترین و پرهزینه‌ترین پیامدها را برای افغانستان، منطقه و جهان در قبال دارد و در عین حال بدبینانه‌ترین سناریو شمرده می‌شود.

پیامدهای این سناریو:

در صورت تحقق، این سناریو می‌تواند پیامدهای ذیل را به همراه داشته باشد:

۱. تشدید درگیری‌های مسلحانه و گسترش فعالیت جبهات ضد طالبان. به‌ویژه جبهه مقاومت، در نقاط مختلف کشور از جمله شمال و شمال‌شرق که قربانی‌های بیشتر از هر دو طرف جنگ خواهد گرفت.

۲. گسترش فعالیت‌های نظامی شاخه ولایت خراسان داعش و راه‌اندازی جنگ جبهه‌ای میان طالبان و داعش. از آن‌جایی که داعش هدف فراتر از مرزهای افغانستان به‌ویژه آسیای مرکزی را دنبال می‌کند، در حال آماده شدن برای نبرد جبهه‌ای در بهار پیش‌رو است. احتمال شکل‌گیری اتحاد منطقه‌ای ضد داعش و بنیادگرایی (روسیه، هند و ایران) در محور بحران خطرآفرین افغانستان و حمایت این کشورها از نیروهای ضد طالبان و داعش مانند جبهه مقاومت به رهبری احمد مسعود، وجود دارد.

۳. فروپاشی کامل اقتصاد افغانستان که بی‌گمان این وضعیت گراف فقر را ۱۰۰ درصد خواهد کرد

و پی‌آمدهایی چون گرسنه‌گی شدید را به مردم دردیده این کشور به همراه دارد.

۴. منزوی شدن بیشتر افغانستان در نظام بین‌الملل.

سناریوی دوم: تغییر وضعیت موجود (امکان تحقق متوسط)

تغییر وضعیت موجود و شکل‌گیری حکومت فراگیر، سناریوی دومی و خیلی خوش‌بینانه ما را شکل می‌دهد. هر چند تلاش‌های منطقه‌ای و جهانی در امر وادار کردن طالبان به تشکیل یک حکومت فراگیر و همه‌شمول که بخشی از موافقت‌نامه دوحه میان طالبان و امریکا نیز پنداشته می‌شود، با گذشت ۲۰ ماه از آغاز حاکمیت طالبان کاملاً با بن‌بست مواجه شده و شدنی به نظر نمی‌رسد، اما از آن‌جایی که در بحران افغانستان نقش متغیرهای بیرونی برجسته‌تر و تأثیرگذارتر است، در صورتی که حامیان منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای طالبان فشارهای لازم را همان‌گونه که دیده می‌شود بالای طالبان به منظور ایجاد چتر بزرگ سیاسی که همه اقوام و اقلیت‌ها در آن حضور و مشارکت داشته باشند و جامعه جهانی تضمین‌های لازم را از طالبان بگیرد، محتمل‌تر به نظر می‌رسد.



با این‌همه، قابل تذکر است که عملی شدن پیامد دو سناریوی خوش‌بینانه (تغییر وضعیت موجود و فروپاشی وضعیت موجود) سخت بستگی به تصمیم و مداخله سازمان ملل و کشورهای تأثیرگذار از بیرون و انسجام و همبستگی نیروهای ضد طالبان در داخل افغانستان دارد.

پیامدهای این سناریو:

۱. جلوگیری از گسترش بحران و جنگ داخلی. در صورت تحقق این سناریو، از جنگ و درگیری و دامنه‌دار شدن بحران موجود کاسته خواهد شد. پایداری ثبات سیاسی با تحقق این سناریو اما بسته‌گی به تعهد و صداقت گروه‌های سیاسی به‌ویژه طالبان دارد.

۲. پایان دادن به انزوای سیاسی و دیپلماتیک افغانستان از خوبی‌های دیگر سناریوی دومی این است. تحقق این سناریو به انزوای شدید سیاسی افغانستان که این روزها در حال تشدید هم است، پایان می‌دهد و جهان حکومت توافقی/ایتنلافی/مشارکتی را به رسمیت می‌شناسد. در آن صورت، بسیاری از خرده‌چالش‌های دیگر کشور هم حل خواهد شد.

۳. برگشت آرامش و ثبات نسبی به کشور. در صورت تحقق این سناریو، بی‌گمان وضعیت آرام‌آرام عادی خواهد شد، ثبات و سرمایه به کشور برخواهد گشت و از فرار مغزها، فرار سرمایه و فروپاشی و متلاشی شدن کامل اقتصاد کشور جلوگیری خواهد شد.

سناریوی سوم: فروپاشی وضعیت موجود (امکان تحقق زیاد)

سناریوی سومی که آخرین سناریوی مقاله ما را شکل می‌دهد، فروپاشی وضعیت موجود یا بهتر است بگوییم زوال طالبان است. عمل‌کرد بیست‌ماهه گروه حاکم در زمینه‌های مختلف از جمله حقوق بشر، حقوق زنان، آموزش و پرورش، سرکوب مخالفان سیاسی، نپذیرفتن ارزش‌های دنیای جدید، داشتن رابطه با گروه‌های تروریستی مانند القاعده و گروه‌های مرکزگرای اسلامی از کشور منطقه به‌ویژه آسیای مرکزی، صبر مردم افغانستان و کشورهای همسایه، منطقه و جهان را لبریز کرده است. با توجه به سیاست‌های سخت‌گیرانه و ضد حقوق بشری گروه حاکم و تمرکز قدرت در محور یک جریان خاص، وقوع رویدادی مانند ۱۱ سپتامبر دور از انتظار نیست و با گذشت هر روز نگاه دنیا در برابر گروه حاکم بدبینانه‌تر می‌شود و به انزوای کابل می‌افزاید.

پیامدهای سناریوی سوم:

۱. سرکوب دوباره طالبان و پیوستن برخی از بدنه‌های این گروه به داعش و سپس ادامه وضعیت گذشته، یعنی آغاز یک جنگ جدید علیه تروریسم، یکی از پیامدهای تحقق این سناریو است.

۲. شکل‌گیری یک نظام سیاسی مشارکتی جدید شبیه نظم پس‌پان در افغانستان با اشتراک همه اقوام به‌ویژه چهار کلان‌هویت این کشور، پیامد دیگر آن است.

۳. تغییر در ساختار نظام سیاسی با مداخله قدرت‌های بیرونی و غیرمتمرکز شدن نوعیت نظام در پارادایم فدرالی یا دادن خودمختاری به طالبان در یک حوزه خاص و پایان دادن به بحران فعلی افغانستان، پیامد دیگر آن خواهد بود.

پایان سخن

سخن پایانی این‌که از میان سه سناریوی ارائه‌شده، دو سناریوی دوم و سوم محتمل‌تر است و سناریوی اول که از آن به‌عنوان سناریوی بدبینانه و وحشت‌ناک یاد کردیم، نامحتمل به نظر می‌رسد. با این‌همه، قابل تذکر است که عملی شدن پیامد دو سناریوی خوش‌بینانه (تغییر وضعیت موجود و فروپاشی وضعیت موجود) سخت بستگی به تصمیم و مداخله سازمان ملل و کشورهای تأثیرگذار از بیرون و انسجام و همبستگی نیروهای ضد طالبان در داخل افغانستان دارد.

کار زیاد، مزد اندک؛

آواره‌گان افغان در گروتاجران پاکستان قراردارند



**بیش از چهارونیم
میلیون شهروند
افغانستان در حال
حاضر در شهرهای
مختلف پاکستان
زنده‌گی می‌کنند.
بیشتر این افراد با
مشکلات زیادی دست
به‌گریبان هستند.**

۸ صبح، اسلام‌آباد

تنها از شهر اتک پاکستان تحویل پنج نماینده‌گی شرکت‌های قالین‌فروشی می‌شود. به گفته او، این قالین‌ها توسط مهاجران افغانستان بافته و پس از شستن و بسته‌بندی زیر نام محصولات پاکستانی به خارج صادر می‌شود. نعمت تأیید می‌کند که افزون بر بافت قالین توسط مهاجران افغانستان در پاکستان، هزاران متر مربع قالین دیگر برای شست‌وشو از خاک افغانستان وارد این کشور می‌شود و پس از پروسس به خارج صادر می‌گردد. مسوولان اتاق تجارت و سرمایه‌گذاری کشور نیز می‌پذیرند که بیش از ۸۰ درصد قالین‌های دست‌بافت کشور به دلیل نبود امکانات شست‌وشو و دسته‌بندی معیاری، به پاکستان قاچاق و سپس به نام محصولات پاکستان به خارج صادر می‌شود.

عبدالستار بیگزاده، رییس پیشین اتحادیه قالین‌بافان شمال افغانستان، از این پیش گفته است که ۸۵ درصد قالین افغانستان در ولایت‌های شمال کشور بافته می‌شود، اما مواد خام آن از کشورهای همسایه به شمول پاکستان و اوزبیکستان وارد می‌شود. آقای بیگزاده توضیح داده است تا زمانی که مواد خام قالین در کشور تولید نشود و دستگاه‌های بزرگ شست‌وشو و بسته‌بندی در داخل افغانستان فراهم نشود، قالین‌های دست‌بافت کشور به نام محصولات پاکستانی در بازارهای جهان فروخته خواهد شد.

این همه در حالی است که بیش از چهارونیم میلیون شهروند افغانستان در حال حاضر در شهرهای مختلف پاکستان زنده‌گی می‌کنند. بیشتر این افراد با مشکلات زیادی دست به‌گریبان هستند. بی‌ثباتی سیاسی و اقتصادی از یک سو و خطری که زنده‌گی آن‌ها را تهدید می‌کند از سوی دیگر، مانع برگشت آنان به افغانستان شده است.

مشغول قالین‌بافی است. فرزندش در ارتش ملی افغانستان وظیفه داشت، اما در جریان نبردهای مسلحانه کشته شد. زینب می‌گوید: «از دور اول طالب که ظلم طالب‌ها را دیده بودیم، از ترس به پاکستان آمده‌ایم. قالین‌بافی می‌کنیم. از صبح تا شام بالای قالین هستیم. نه به ما کمر ماند، نه گردن و نه هم گلو.» این بانوی قالین‌باف خریطه پر از دارو را نشان می‌دهد و می‌افزاید: «از گلودردی و درد گردن است؛ حتا چشم‌های ما کم‌دید شده است.»

محمدرضا که نماینده‌گی یکی از شرکت‌های بزرگ قالین‌فروشی را در شهر «اتک» مدیریت می‌کند، تأیید دارد که بیشتر مهاجران قالین‌باف افغانستان در پاکستان با چالش‌های فراوانی دست‌وپنجه نرم می‌کنند. به گفته او، هر ماه مواد خام نزدیک به ۱۰۰ تخته قالین دست‌بافت با اندازه‌های مختلف را به مهاجران افغانستان توزیع می‌کند. محمدرضا به روزنامه ۸ صبح می‌گوید: «قیمت بافت قالین نسبت به مشکلات آن بسیار کم و اندک است. در حالی که نرخ یک قالین ده‌متره باید بین ۶۰ تا ۷۰ هزار کلدار باشد، شرکت ۴۰ یا ۴۵ هزار کلدار می‌دهد.»

او علت کاهش مزد قالین‌بافان را افزایش کارگران افغان در پاکستان عنوان می‌کند. این نماینده سرمایه‌گذار پاکستانی توضیح می‌دهد که شمار زیادی از خانواده‌های کارگر نزد تاجران پاکستانی گروگان هستند؛ زیرا به سخن او، مخارج‌شان بیشتر از عوایدشان است و مجبورند کار کنند تا قرض‌داری‌های خود را تسویه کنند. هرچند آمار دقیقی از مهاجران قالین‌باف در پاکستان موجود نیست، اما شمار این کارگران به هزاران تن می‌رسد.

نعمت، نماینده شرکت قالین‌فروشی دیگر است. او می‌گوید که هر ماه نزدیک به سه هزار متر مربع قالین

بانو فاطمه با انگشت زخمی‌اش به سوی مهریه که سرگرم شانه زدن قالین است، اشاره می‌کند و می‌گوید: «مهریه دختر خردم در افغانستان صنف شش مکتب بود، حالا نه‌تنها از درس و تعلیم مانده، بلکه از بس قالین‌بافی سخت است، گردنش به درد آمده و هر شب با مرمم چرب می‌کنم.»

محمدمزمان، جوان دیگری است که مدتی به‌عنوان ترجمان با نیروهای نظامی خارجی در افغانستان کار می‌کرد، اما اکنون به پاکستان آواره شده است. او که در یکی دیگر از کارگاه‌های قالین‌بافی مصروف کار است، درباره چگونگی این کار توضیح می‌دهد: «مواد خام قالین را ما از نفر سوم می‌گیریم. از این‌که چند دست می‌شود، نسبت به زحمت و مشکلات اجوره بافت بسیار ناچیز است.»

محمدمزمان در وسط نشسته است و خانم، دختر و پسر نوجوانش در اطراف او مشغول قالین‌بافی‌اند. این آواره افغانستان در شهر اسلام‌آباد، می‌گوید که به دلیل سرازیر شدن بیش از حد مهاجران و نبود زمینه کار در پاکستان، بیشتر خانواده‌ها به قالین‌بافی رو آورده‌اند و از همین رو تاجران پاکستانی دست‌مزد کارگران قالین‌باف را کاهش داده‌اند. او می‌افزاید: «مثلاً یک قالین ۱۰ متر مربع را که باید قیمت بافت آن ۸۰ هزار کلدار باشد، اکنون ۴۸ هزار یا ۵۰ هزار کلدار از سوی تاجران تعیین شده است.» به سخن او، با توجه به بهای بلند مواد خوراکی، کرایه خانه، مصارف برق و دیگر نیازهای زنده‌گی، با مقدار پولی که از درک قالین‌بافی به دست می‌آورند، نمی‌توانند مخارج خانه‌شان را تأمین کنند، اما مجبورند به همین کار ادامه دهند؛ زیرا زمینه‌های کاری برای شهروندان افغانستان در پاکستان کمتر فراهم است.

زینب، زنی بزرگسال است که در کارگاه دیگری

قالین‌بافی صنعتی کهن و دیرینه در ولایت‌های شمال افغانستان است که با فرهنگ، اجتماع و اقتصاد باشندگان این حوزه جغرافیایی گره خورده است. انگشتان هنرآفرین بانوان خلاق حوزه شمال کشور، صنعت طلائی‌رنگ قالین را نقش‌ونگار می‌بخشد. این صنعت دیرینه کشور درست نیم قرن پیش با آغاز جنگ‌های داخلی در کشور و مهاجرت هزاران خانواده به کشورهای همسایه، وارد پاکستان شد. براساس اظهارات آواره‌گان افغانستان، تا پیش از ورود مهاجران به شهرهای پاکستان، مردم و بازرگانان این کشور با صنعت قالین آشنایی چندانی نداشتند. اکنون اما این صنعت یک منبع پردرآمد و مشهور پاکستان به شمار می‌رود که با زحمت، عرق‌ریزی و انگشتان سحرآفرین زنان آواره افغانستانی، بافت می‌خورد. در حال حاضر هزاران آواره افغانستان از روی ناگزیری در کارخانه‌های قالین‌بافی پاکستان کار می‌کنند و صنعت قالین را در این کشور رونق می‌دهند. این آواره‌گان اما در بدل زحمت شبانه‌روزی، مزد اندکی دریافت می‌کنند و کارهای دستی‌شان زیر نام محصولات پاکستان به کشورهای دیگر صادر می‌شود.

فاطمه، زنی میان‌سال است که با دو دختر و عرووش در یکی از کارگاه‌ها قالین‌بافی می‌کند. او در صحبت با روزنامه ۸ صبح می‌گوید که پسرش افسر اردوی ملی بود و پس از سقوط نظام جمهوری، مجبور شده برای نجات جان فرزندش افغانستان را ترک کند. او که انگشت دست راستش را تارهای قالین زخمی کرده است، می‌افزاید: «همه‌روزه از ساعت ۴:۰۰ صبح تا ۵:۰۰ شام همه ما قالین می‌بافیم. به زحمت مصرف خانه را سربه‌نوک می‌کنیم.»

فقرا انحراف اجتماعی؛

ماجرای دزدانان که مقداری روغن و برنج دزدیدند

۸ صبح، غور



ناچاری و تلاش برای زنده ماندن به دزدی روی آورده‌اند. شعیب همدرد (نام مستعار) فعال مدنی در غور، به روزنامه ۸ صبح می‌گوید که مردم از روی فقر و ناداری و به دلیل نبود زمینه‌های کار، به دزدی روی آورده‌اند. به گفته او، همه سرقت‌هایی که این روزها صورت می‌گیرد، غیرمسلحانه بوده و بیشتر کالاهایی که به سرقت رفته، مواد خوراکی بوده است. از نظر او، این نشان‌دهنده شدت فقر و گرسنه‌گی در این ولایت است. این فعال مدنی علاوه می‌کند: «هیچ دزدی مسلحانه نبوده است. همه شب از اکثریت ناحیه‌ها دزدی می‌شود، اما این دزدی‌ها یا آرد، برنج و روغن است یا هم سولر و دروازه صحرا.»

این فعال مدنی در غور اضافه می‌کند که باشندگان این ولایت در شرایط ناگوار اقتصادی به سر می‌برند و از روی اجبار و ناداری تنها برای زنده ماندن و نجات اعضای خانواده به سرقت دست می‌زنند. او علاوه می‌کند که بیشتر خانواده‌ها زمستان سردی را با گرسنه‌گی سپری می‌کنند. آقای همدرد هشدار می‌دهد که در صورت ادامه این وضعیت، باشندگان غور گواه موجی از تلفات انسانی خواهند بود.

افزایش موارد سرقت‌های کوچک از جمله مواد غذایی در غور در حالی به گسترش دامنه فقر در این ولایت نسبت داده می‌شود که دفتر هماهنگی امور بشردوستانه سازمان ملل متحد (اوجا) در گزارش تازه‌اش گفته است که ۲۸ میلیون شهروند افغانستان به کمک‌های بشردوستانه نیاز دارند و گرسنه‌گی جان شش میلیون تن را تهدید می‌کند. از سویی هم، سازمان جهانی بهداشت اعلام کرده که در سال روان میلادی ۸۷۵ هزار کودک در افغانستان با سوء‌تغذیه شدید و بیش از دو میلیون کودک دیگر با سوء‌تغذیه متوسط روبه‌رو هستند.

این منبع، اکثر بازداشت‌شده‌گان اعتراف می‌کنند که برای نجات جان کودکان و خانواده‌های‌شان، دست به این اقدام زده‌اند. باشندگان شهر فیروزکوه، مرکز ولایت غور، نیز از افزایش سرقت‌ها سخن می‌گویند و توضیح می‌دهند که دزدان این روزها مواد خوراکی، سولر، دروازه‌های حویلی و هر آن چیزی که گیرشان بیفتد را با خود می‌برند. جمعه‌گل، باشنده شهر فیروزکوه، به روزنامه ۸ صبح می‌گوید که دزدان هفته گذشته تخته‌های سولر خانه‌اش را دزدیده‌اند. او از سولر برای روشن ساختن خانه‌اش استفاده می‌کرد. او می‌افزاید: «سولر بالای خانه بود. صبح می‌خواستیم بطری را به برق بزنی، چنگک‌ها را به هم زد، دیدم که برق ندارد. بالا شدم بالای خانه، دیدم که سولر نیست. دزدها شب سولر را باز کرده و برده بودند.»

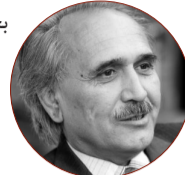
محمدرروف، باشنده ناحیه دوم شهر فیروزکوه، می‌گوید که دزدان شب‌هنگام دروازه خانه‌اش را به سرقت برده‌اند. او می‌افزاید: «این روزها بسیار زیاد شده دزدی‌ها. اگر مواد خوراکی به گیر دزدان نیاید، دروازه صحرا [حویلی] را کنده و با خود می‌برند. شب پیش چنین اتفاق برای ما افتاد. صبح وقتی از خانه بیرون شدم، دیدم دروازه صحرا کنده شده و فهمیدم که کار دزدان است.»

با این حال، فعالان مدنی در غور با تأیید افزایش سرقت‌ها در این ولایت می‌گویند که مردم از روی

منابع از فرماندهی امنیه طالبان در غور به روزنامه ۸ صبح با حفظ هویت‌شان می‌گویند که فقر اقتصادی علت اصلی دزدی این افراد بوده است. یک منبع توضیح می‌دهد: «دو نفری که تازه بازداشت شده‌اند، گفتند: چند بار دیگر هم از این خانه مواد خوراکی دزدی کرده بودیم. حالا چیزی در خانه نبود، چه می‌کردیم؟ مجبور بودیم.» به سخن او، این دو تن که به جرم خود اعتراف کرده‌اند، اکنون زندانی‌اند و انتظار مجازات از سوی طالبان را می‌کشند. تاکنون روشن نیست که محاکم طالبان برای افرادی که به علت فقر و ناداری دست به سرقت می‌زنند، چه مجازاتی را تعیین خواهند کرد.

منبع در فرماندهی امنیه طالبان در غور افزایش سرقت‌ها در این اواخر را تأیید می‌کند و علت آن را گسترش فقر توصیف می‌کند. او می‌افزاید: «مواد خوراکی مانند آرد، روغن و برنج این روزها زیادت‌ر دزدی می‌شود.» به سخن

این روزها فقر شدیدی دامن‌گیر شهروندان افغانستان شده است؛ مردمی که با توسل به راه‌های مختلف تلاش دارند از شر گرسنه‌گی در امان باشند. براساس گزارش سازمان‌های بین‌المللی، حدود ۲۵ میلیون شهروند کشور زیر خط فقر قرار دارند. غور در مرکز افغانستان، از ولایت‌هایی است که فقر و گرسنه‌گی در آن بیداد می‌کند. بیکاری، بی‌توجهی حکومت‌ها و سلیقه‌ای بودن توزیع کمک‌های بشردوستانه، از علت‌های افزایش فقر در این ولایت عنوان شده است. به دنبال گسترش دامنه فقر، باشندگان غور از افزایش سرقت‌های کوچک به شمول مواد غذایی شکایت دارند. آنان توضیح می‌دهند که وسایل برق آفتابی (سولر)، وسایل خانه و حتا دروازه‌های حویلی خانه‌ها از شر دزدان در امان نیست. در اتفاقی جالب دو تن به‌تازگی در پیوند به سرقت چهار بوتل روغن و نیم بوری برنج از یک خانه رهایشی بازداشت شده‌اند. مدیریت جنایی فرماندهی امنیه طالبان در غور گزارش داده است که این افراد روز دوشنبه، ۱۷ دلو، از مربوطات حوزه دوم شهر فیروزکوه، مرکز ولایت غور، هنگام دزدی بازداشت شده‌اند. فرماندهی امنیه طالبان در غور تصویر این افراد را نیز نشر کرده و نوشته است که افراد آنان موفق به بازداشت این گروه دونفری سارق شده‌اند. اسامی و مشخصات این دو تن هنوز همه‌گانی نشده است.



پرتو نادری
بخش سوم

بخش بزرگ شاعری محمود فارانی را چهارپاره‌سرایایی او می‌سازد. تمام شعرهای او در هر سه گزینه به «۶۹» پارچه می‌رسد که از این میان «۴۶» پارچه آن در قالب چهارپاره سروده شده‌اند.

او با نخستین گزینه شعری خود «رویای شاعر» در حلقه‌های ادبی کابل به شهرت رسید و پس از انتشار «آخرین ستاره» دامنه شهرت و آوازه شاعری او گسترده‌گی بیشتری پیدا کرد که نقد و نظرهایی را نیز در پی داشت. فارانی بیشتر در چهارپاره‌های شاعری است داستان‌سرا. شعرها آغازی دارند و پایانی. شخصیت‌هایی با گفت‌وگوها و نقش خویش در شعر پدیدار می‌شوند. گاهی چهارپاره‌های فارانی صحنه‌آرایی‌های شگفتی دارند که خیال‌انگیزی شعر را بیشتر می‌سازند. موضوعات شعرهای او در چهارپاره‌ها به ظاهر موضوعات ساده و روزمره‌اند که ما در هر گام با آن‌ها روبه‌رو می‌شویم. شاید بیان چنین موضوعاتی برای یک شاعر برج‌عاج‌نشین بسیار پیش‌پافتاده باشد، بی‌خبر از این‌که وقتی زنده‌گی انسان‌ها در جامعه با چنین موضوعاتی آمیخته است، دیگر چه بخواهیم یا نخواهیم این موضوعات در هنر و ادبیات بازتاب پیدا می‌کند. نمی‌شود شاعری را ملامت کرد که به چنین موضوعاتی پرداخته است. شاید بتوان شاعر را در پیوند به چگونگی بیان این موضوعات سرزنش کرد یا هم ستایش؛ اما زنده‌گی با تمام محتوایش می‌تواند شامل طیف محتوایی شعر شاعر شود.

در شعر «گور چوپان» چنین می‌خوانیم:

از دل آسمان آبی‌رنگ
اندین نیمه‌روز تابستان
قرص خورشید می‌فشاند نور
روی دامان خشک کوهستان

می‌سراید پرندهای از دور
در سکوت عمیق و پراسرار
سوسماران خفته و تنبل
می‌شوند از صدای او بیدار

دم سوزان باد کوهساران
بر رخ همجو شعله می‌لرزد
قطره‌های درشت و گرم عرق
روی پیشانی‌ام فرولفزد

در خم کوره‌راه دور و دراز
از بر صخره‌ی بزرگ و سیاه
سر کشیده درخت خودرویی
سایه افگنده بر کناره‌ی راه

زیر این سایه گور ویرانی‌ست
گور از یادرفته و گم‌نام
گور بی‌شمع‌دان و بی‌توغی
که فراموش کرده است ایام

شاید این گور، گور چوپانی‌ست
که در این کوه و دره‌ی خاموش
بارها رفته در پی رمه
چوب‌دست شبانی‌اش بر دوش

پای این صخره‌ی سیاه آخر
چشم پراشک از جهان بسته
سال‌ها رمه‌های مردم را
به چرا برده تشنه و خسته

(نوی شعرونه/الشعار نو، ص ۱۰۰-۱۰۲)

فارانی در بیشتر چهارپاره‌های خود از همین شگرد استفاده می‌کند. با زبان ساده به تصویرپردازی و صحنه‌آرایی زنده‌گی می‌پردازد. اجزا را در کلیت شعر در کنار هم قرار می‌دهد. اندیشه‌پردازی و داوری نمی‌کند. با ترکیب اجزا در کنار هم، ما را با یک کلیت روبه‌رو می‌سازد. گاهی هم این اجزای تنها، اجزای طبیعت‌اند و کدام مفهوم کنایی و نمادین ندارند. هر چند در شعرهای فارانی تقابل فقر و غنا یا تقابل طبقات اجتماعی دیده می‌شود، اما شاعر شعرهایش را با بینش‌های سیاسی نمی‌آمیزد. داوری نمی‌کند، سرزنش نمی‌کند یا نتیجه‌گیری نمی‌کند. گویی دست

چهارپاره‌سرایه‌های محمود فارانی



مرغ شب آویز از شاخ چنار پیر
گوید اندر گوش شب آهسته افسانه
بادها با پرده‌ی روزن کند بازی
ماه سیمین سر کشد از شیشه دزدانه

(همان، ص ۵۳)

او از شب طبیعت آغاز می‌کند، بعد با پیوند دادن با بدبختی و سیه‌روزی‌های مردم، استبداد، بی‌عدالتی، گرسنه‌گی و تهی‌دستی، شب طبیعت را با شب زنده‌گی اجتماعی مردم گره می‌زند. او از این همه تاریکی دل‌تنگ است و در هوای شعله‌طور است تا به دیدار پرشکوه عدالت و حقیقت برسد.

در انتظار تیغ تو ای آفتاب صبح
همچون شفق تپیده و در خون نشستام
یا رب تو باز شعله‌ی طوری برون بریز
چوپانم و ز ظلمت این دشت خستام

(همان، ص ۵۸)

در کلیت شعر فارانی با طبیعت و جلوه‌های رنگارنگ آن پیوند تنگاتنگی دارد. شب، روز، بامداد، برف، باران، باد، توفان، سیلاب، پاییز، بهار، دره، کوه، خورشید، ماه و ستاره به‌گونه‌ای در همه شعرهای شاعر چهره می‌نمایند. این هم شعری زیر نام «صبح دهکده»:

ماهتاب نقره‌گون شد ناپدید
در کنار قلعه‌های دوردست
ساغر گلگون و لبریز شفق
اوقات از دست گردون و شکست
کاروان شب ز دشت آسمان
زی دیار ناشناسی رخت بست

اختر صبح از کنار ابرها
می‌زند آهسته چشمک سوی من
باد خوش‌بوی سحرگاهی ز باغ
نرم‌نرمک می‌وزد بر روی من
می‌شود خم از دمش رقصه‌وار
شمع سیم‌اندام و زرین‌موی من

جغد شد خاموش سر در زیر بال
رفت روی قلعه‌ی ویران به خواب
کودکی آوازخوانان می‌برد
گله‌ی مرغابیان را سوی آب
قله‌های نیم‌رنگ کوهسار
گشت خونین از شعاع آفتاب

دختران روستایی مست و شاد
کوزه‌ها بر فرق و چادرها به دوش
می‌روند از کوره‌راه پیچ‌پیچ
در پی هم سوی رود پرخروش

می‌رسد از جنگل خاموش دور
ناله‌های دلپذیر نی به گوش
(آخرین ستاره، ص ۱۰-۱۱)

در چهارپاره‌های فارانی بیشتر پاره نخست شعر چنان است که گویی رویدادی را هشدار می‌دهد. گویی اعلام یک خطر یا یک حادثه است در ذهن خواننده که انگیزه‌ای می‌شود تا خواننده شعر را دنبال کند.

خانه از بانگ مهیب رعد می‌لرزد
باد شهپر می‌زند بر شیشه‌ی روزن
جوی‌ها چون مارها بر خود همی‌پیچند
می‌کشد باران فراز کوه‌ها دامن

(سفر در توفان، ص ۳۸)

تاریخ بر دوراهی مرموز سرنوشت
ایستاده بود چشم به ظلمت نهاده بود
او آمد و چراغ مقدس به دست او
راه نجات در دل آن تیره‌گی شود

(همان، ص ۵۹)

ذهن شاعرانه محمود فارانی بیشتر با زنده‌گی لایه‌های تهی‌دست جامعه درگیر است. او خواننده‌گانش را به مانند یک رهنما در موزیمی غرقه‌بهره‌فره به دنبال می‌کشد و همه چیز را نشان می‌دهد، بی‌آن‌که بخواهد اندیشه‌ای را تحمیل کند. وضعیت را بیان می‌کند، اما در پیوند به وضعیت داوری و اندیشه‌پردازی نمی‌کند. شاید می‌اندیشد که تماشای وضعیت خود می‌تواند برای خواننده اندیشه‌برانگیز شود. گاهی هم چهارپاره‌های فارانی بزم‌آرایی‌های عاشقانه‌ای است در یک شب مهتابی و خلوت؛ مثلاً در «زبای برهنه» چنین می‌خوانیم:

دست لرزانش گرفت از دست من
ساغر لبریز و گلگون شراب
چشم‌های نیمه‌بازش خیره شد
از خلال شاخه‌ها بر ماهتاب

پرتو سرد و خیال‌انگیز ماه
بوسه می‌زد بر تن سیمین او
باد شب می‌ریخت روی سینه‌اش
گیسوی آشفته و زرین او

(آخرین ستاره، ص ۸)

در گزینه «سفر در توفان» چنین نمونه‌هایی نیز وجود دارد؛ اما با حال‌وهوا و زبان تازه‌تر نسبت به رویای شاعر و آخرین ستاره. مثلاً در شعر «شب آبی» می‌خوانیم:

چراغ نیلگون چشم نهنگ اوقیانوس است
به رنگ زیر بحر آبی و آرام است خلوت‌گاه
تن عریان او بر موج نور افتاده بر بستر
و یا افتاده از بام فلک در قعر دریا ماه

گشودم چون صدف آغوش تا گیرم ز سرمستی
به بر لغزنده مروارید اندام هوس جویش
رمید از ناز و همچون شیرماهی رفت از چنگم
چو ماهی گیر زیرک باز رفته کم‌کمک سوبش

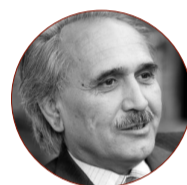
(سفر در توفان، ص ۴۳)

در پایان این بحث جای دارد گفته شود که محمود فارانی و چند تن از شاعران پیش‌گام دیگر با چهارپاره‌سرایایی‌های خویش نه‌تنها راه را برای رسیدن به شعر آزاد عروضی در دهه‌های سی و چهل سده چهاردهم خورشیدی در افغانستان فراهم ساختند، بلکه این دسته از شاعران به تعبیری پیش‌قراولان شعر آزاد عروضی در کشورند.

هرچند چهارپاره‌سرایایی دیگر در میان شاعران امروز هواخواهان زیادی ندارد، با این حال چهارپاره هنوز می‌تواند در کنار قالب‌های دیگر به هستی خود ادامه دهد؛ برای آن‌که این فرم از ظرفیت گسترده و مناسبی نه‌تنها برای بیان موضوعات عاشقانه و غنایی برخوردار است، بلکه در شعر سیاسی-اجتماعی و حماسی نیز می‌تواند کارایی گسترده‌ای داشته باشد.

با دریغ در چند دهه پسین شاعران پارسی‌دلی کمتر به این قالب پرداخته‌اند و به اشتباه فکر می‌کنند که گویا چهارپاره نمی‌تواند شعر مدرن روزگار ما باشد، در حالی که این قالب با سهولت و انعطاف‌پذیرهایی که دارد، می‌تواند چند گام بیشتر از آن چیزی که این روز به نام غزل مدرن یاد می‌شود، گام بردارد.

از رویای شاعر تا سفر در توفان



پرتو نادری
بخش چهارم

محمود فارانی و شعر کلاسیک

فارانی کلاسیک‌های خود را عمدتاً در قالب‌های غزل و قطعه سروده است که گاهی تنها بیان لحظه‌های عاشقانه شاعر است با زبان استوار تغزلی، آهنگین و خیال‌انگیز.

هرچند فارانی غزل‌های زیادی ندارد، با این حال او با همین چند غزلی که سروده، در ردیف آن شمار شاعران کشور قرار می‌گیرد که غزل سنتی افغانستان را به سوی غزل مدرن کشاندند. به زبان دیگر، از پایه‌گذاران غزل مدرن پارسی دری در کشورند. این را هم باید گفت که قطعه‌های فارانی از نظر زبان، فضا و بیان تغزلی که دارند، خود غزل‌های شورانگیزی‌اند.

پرده‌ی پندار

نشسته قطره‌ی می بر لب هوس جویت
چو ژاله‌ای که سحرگاه بر گلاب افتد

تن سپید تو در سرخ جامه می‌ماند
به عکس ماه که در لاله‌گون شراب افتد

ز پشت پرده‌ی پندار زنده‌گی زیباست
مباد کز رخ این اهرمن نقاب افتد

شبی بیا که دو بازوی تو به گردن من
چو مارهای سپیدی به پیچ‌وتاب افتد

من آن دم از تن سیمین تو بگیرم کام
که چشم مست تو از کیف می خراب افتد
(آخرین ستاره، ص ۶۲)

آبشار طلا

شامی‌ست تاریک و سیه پیراهن مشکین تو
چون قرص ماهی سرزده زان سینه‌ی سیمین تو

در موج خونین سحر دیدم هلال سرخ‌گون
گفتم فتاده در قرح عکس لب نوشین تو

چون آیشاری از طلا بر کوه سیمین و سپید
ریزد فرو بر شانده‌ات آن گیسوی زرین تو

پروین بود عقد گهر بر گردن عاجت؛ ولی
در روز روشن سر زده، ای ماه من پروین تو

ماند به مهر صبح‌دم در ابر خونین سحر
رخساره‌ی گلگون تو در چادر رنگن تو

خواهم شبی چون نور مه در خوابگاهت ره کشم
بوسم به روی بسترت اندام عطراگین تو
(همان، ص ۵۸)

لکه‌ی مهتاب

رفتی و مانده نقش تنت روی تخت خواب
رنگ لب قشنگ تو بر ساغر شراب

در آسمان تیره‌ی چشم سیاه تو
رخشد هوس چو شعله‌ی سوزنده‌ی شهاب

آید به یاد پیکر لخت تو گاه رقص
در نور مه چو موج در آید به پیچ‌وتاب

در خلوت خیال و غم افسرد روح من
چون برگ لاله‌ای که فرومانده در کتاب

دانی که چپست لکه‌ی مهتاب روی تو
پروانه‌ی سیاه نشسته سر گلاب
(همان، ص ۵۶)

درد سیمرغ

پخبر صاعقه در گوش خسی نتوان گفت
همچو پروانه خموشانه شوم خاکستر
که سر عشق به هر بوالهوسی نتوان گفت

راه زن تا ره منزل زند ای رهرو
مقصود قافله را با جرسی نتوان گفت

گرچه چون صبح کنم سینه‌ی خونین را چاک
قصه‌ی داغ جگر با نفسی نتوان گفت

ای تنگ حوصله تو محرم اسرار نه‌ای
درد سیمرغ به پیش مگسی نتوان گفت
(سفر در توفان، ص ۶۸)

دوش در آغوش قایق یار مست افتاده بود
گیسوی زرین به دست باد دریا داده بود

چون شفق بر سینه‌ی امواج دریای کبود
موج‌زن در دیده‌ی آیش رنگ باده بود

قوی پستان را به مشت از ناز و سرمستی فشرده
ناخن سرخش مگر چنگ عقاب ماده بود

چون فروآویخت پای از عرشه‌ی قایق در آب
ساق او چون سینه‌ی ماهی سپید و ساده بود

در سکوت نیمه‌شب بر آب زیر آسمان
من به او، او هم به ماه سیم‌گون دل داده بود

لیک آن شب هم دل دیوانه‌ام در کلبه‌ای
کلبه‌ای تاریک و پرتم در «قلای شاده» بود
(همان، ص ۳۴-۳۵)

از سرایش این شعرها شش تا هفت دهه می‌گذرد.
در این مدت زمان، افغانستان و حوزه پارسی دری
تحولات گسترده و ژرف سیاسی - اجتماعی را
پشت سر گذاشته است. بدون تردید این تحولات
تاثیرگذاری‌های گسترده‌ای بر ادبیات ما نیز داشته
است. شعر افغانستان در این سال‌ها تجربه‌های
رنگ‌رنگی داشته و شیوه‌های گوناگونی را تجربه
کرده است.

غزل امروز ما راه خود را از غزل سنتی جدا ساخته
است. اگر این تحول و دگرگونی در یک جهت
برخاسته از تحول و دگرگونی حوزه شعر پارسی
دری است، در جهت دیگر شماری از شاعران کشور
چه از نسل‌های پیشین و چه از نسل جوان، نقش
بزرگی در این تحول داشته‌اند.

هر تحول به مانند مشعلی است که از نسلی به نسل
دیگر رسانده می‌شود. به زبان دیگر، هر تحولی از
خود گذشته‌ای دارد. تحول ادبی و فرهنگی نیز
چیزی نیست که یکی و یک بار قامت بلند کند.
هر تحولی چه سیاسی، چه اجتماعی یا هم ادبی
- هنری اگر ادعا کند که گذشته‌ای ندارد، تحول
نیست، دروغ است.

به زبان دیگر تحولی که گذشته خود را نفی کند،
در حقیقت خود را نفی کرده است. آن‌چه را ما
امروز به نام شعر سپید یا هر چیز دیگری که داریم،
در حقیقت ادامه کار همان شاعرانی است که از
دهه‌های ۳۰ و ۴۰ خورشیدی در تلاش نوآوری در
ساختار و زبان شعر بوده‌اند.

آنانی که نخستین بار از یک راه ناهموار با پذیرفتن
خطرهای می‌گذرند، در حقیقت نخستین پرچم‌داران
یک رستاخیزند و در تاریخ دانش و ادبیات از آنان به
نیکویی و افتخار یاد می‌شود.

باری شاعر جوانی با افتخار می‌گفت که ما نسل
بی‌استادیم! گفتم واقعاً کشف بزرگی کرده‌ای! اگر
شاعری ادعا کند که او استادی نداشته، این سخن
به این مفهوم است که او از گذشته ادبی کشور و
زبانش چیزی نیاموخته است! اگر یک مکتب ادبی

ادعا کند که این مکتب ادبی با گذشته رابطه‌ای
ندارد و چیزی نیاموخته، این سخن به این مفهوم
است که آن مکتب ادبی پایه و اساسی ندارد.

سخنی از مهدی اخوان ثالث یاد می‌آید که
باری گفته بود: «من شاگرد تمام آنانی‌ام که واقعاً
استادند!» سخن این شاعر بی‌استاد ما می‌تواند به
این مفهوم نیز باشد که جناب‌شان یا از این همه
گذشته پربار چیزی نیاموخته و یا هم می‌خواهد با
رد همه‌گان و با رد یک تاریخ پربار ادبی بگوید که
تنها او است که یک‌تنه بار تمام فرهنگ و ادبیات
پارسی دری را بر دوش می‌کشد! چنین افرادی
می‌پندارند که با نفی دیگران می‌توانند یگانه‌تتمن
میدان باشند که هرگز چنین نخواهد بود.

هر مکتب و شیوه ادبی‌ای در کنار مکتب‌ها و
شیوه‌های دیگر ادبی است که مفهوم پیدا می‌کند.
یک شاعر در کنار شاعران دیگر است که کارش
مفهوم پیدا می‌کند و جایگاهش مشخص می‌شود
و به همین گونه یک نویسنده در کنار نویسندگان
دیگر است که مفهوم می‌یابد! زیبایی یک گل در
کنار گل‌های دیگر سنجیده می‌شود!

حال بسیار دشوار است که برگردیم و شعرهای آزاد
عروضی یا هم غزل‌های دهه‌های ۳۰ و ۴۰ را با
چنین شعرهایی در دهه‌های اخیر مقایسه کنیم! اگر
در این فاصله شعر افغانستان به پیش‌رفتی دست
نیافته باشد، این سخن به این مفهوم است که شعر
افغانستان در این همه سال چنان پدیده غیرپویا با هر
گونه تحول و دگرگونی بیگانه مانده است.

سخن پایانی در این پیوند این که محمود فارانی
نه‌تنها از نخستین ره‌گشایان شعر نیمایی در
افغانستان است، بلکه شاعر تاثیرگذاری بر شاعران
هم‌روزگار خود نیز بوده است. این تاثیرگذاری او
بیشتر برخاسته از چهارپاره‌ها و غزل‌های او است که
در سروده‌های بسیاری از شاعران شناخته‌شده دهه
۴۰ می‌توان این تاثیرگذاری را دید.

به باور واصف باختری: «محمود فارانی در میان
همه شاعرانی که از سال ۱۳۴۰ الی ۱۳۵۰ شعر
می‌سرودند، یک دهه کامل شاعر دست‌اول شناخته
می‌شد، در همین قلمرو خاص خود، همه تحت تاثیر
فارانی بودند.»

(حاشیه‌های گریزان از متن، ص ۲۸۴)

زبان شعری محمود فارانی در کلیت زبانی است
ساده، پیراسته، خالی از ابهام و تعقید لفظی. دور
از آرایه‌های پیچیده ادبی و استعاره‌سازی‌های دور
از ذهن. با این حال گاه‌گاهی شعرهای او که بیشتر
در چهارپاره‌ها رخ می‌دهد، از کاربرد صفت‌های
پیچیده رنج می‌برد. او موضوعات شعری خود را با
استفاد از چنین زبانی به‌گونه خیلی تاثیرگذار بیان
می‌کند. عاشقانه‌هایش عمدتاً در چهارپاره بیشتر
حال‌وهوای رومان‌تیک دارد که خواننده را به یاد
چهارپاره‌سرایی‌های نادر نادرپور می‌اندازد.

فارانی با سرایش شعر «عقاب زخمی» در شعر آزاد
نیمایی، به مرحله دیگری از شاعری خود رسیده بود
که می‌شود آن را اوج شاعری او در نیمایی‌سرایی
گفت. او در این شعر زبان و پیامی دارد که با
سروده‌های دیگرش تفاوت بسیاری دارد؛ اما با دریغ
که پس از آن ما دیگر صدای بال‌های این عقاب
زخمی را در آسمان شعر افغانستان نشنیدیم!

«سفر در توفان» آخرین مجموعه شعری محمود
فارانی است و شعر عقاب زخمی آخرین شعر
آمده در این گزینیه است، اوج شاعری فارانی در
نیمایی‌سرایی‌هایش.

آنتونیو گوترش، دبیر کل سازمان ملل متحد، می‌گوید که برابری جنسیتی در علم با تأیید حقوق زنان و شکستن سنت‌های کلیشه‌ای ترویج شود. دبیرکل سازمان ملل متحد این مطلب را روز شنبه، ۱۱ فبروری، در توییته به مناسبت روز جهانی زنان در علم، بیان کرده است. گوترش گفته است: «زنان و دختران بیشتر در علم، آینده بهتری برای همه رقم خواهد زد. ما باید برابری جنسیتی در علم را با تأیید حقوق زنان و شکستن کلیشه‌ها ترویج کنیم.» آنتونیو گوترش تأکید کرده است که همه باید سهم خود را در پرکردن صنف‌ها و آزمایشگاه‌ها با زنان دانشمند، انجام دهند.

سازمان همکاری اسلامی خواستار مشارکت بیشتر زنان در آموزش علم و فناوری شد

به مناسبت روز جهانی زنان و دختران در علم، حسین ابراهیم طه، دبیرکل سازمان همکاری اسلامی، خواستار مشارکت بیشتر زنان و دختران در آموزش علم و فناوری شده است.

این سازمان جمعه‌شب، ۱۰ فبروری، پیام آقای طه را به مناسبت روز جهانی زنان در علم نشر کرده است. در پیام دبیر کل سازمان همکاری اسلامی آمده است که کشورهای عضو و نهادهای مربوط به آن تلاش‌ها را برای تضمین حقوق زنان تشدید کنند.

سازمان همکاری اسلامی تأکید کرده است که برای تقویت همکاری‌های بین‌المللی، آگاهی در مورد حقوق زنان و دختران در زمینه فراگیری علم و فناوری افزایش یابد.

پیش از این، وزیران امور خارجه سازمان همکاری اسلامی در سال ۲۰۱۸، قطعنامه‌ای را برای ترویج آموزش علم، فناوری، انجینیری و ریاضیات زیر نام (STEM) برای زنان تصویب کردند.

امروز (۱۱ فبروری) روز جهانی مشارکت زنان در علم است.

گفتنی است که افغانستان زیر سلطه طالبان در حالی از این روز تجلیل می‌کند که تنها کشور در جهان است که آموزش دختران و زنان در آن منع شده است.



زمین لرزه‌های مرگبار در ترکیه و سوریه؛

تعداد تلفات از مرز ۲۴ هزار تن گذشت



سوریه شده تا روند کمک‌رسانی به قربانیان زمین‌لرزه تسهیل شود.

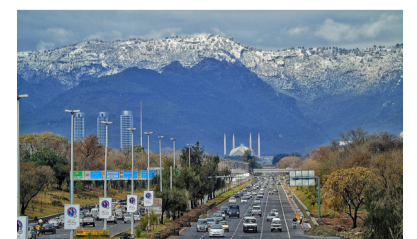
بشار اسد، رئیس‌جمهور سوریه، چهار روز پس از زلزله به مناطق آسیب‌دیده رفت و در شفاخانه با شماری از

بربنیاد گزارش‌ها، شمار جان‌باخته‌گان زمین‌لرزه ویران‌گر در ترکیه و سوریه از مرز ۲۴ هزار تن گذشته است.

رسانه‌های بین‌المللی روز شنبه، ۱۱ فبروری، گزارش داده که از این میان، دست‌کم ۲۰ هزار و ۶۶۵ تن در ترکیه و سه هزار و ۵۰۰ تن دیگر در سوریه جان‌های‌شان را از دست داده‌اند.

سازمان امدادرسانی کلاه‌سفیدها در سوریه اعلام کرده است که عملیات جست‌وجو برای افراد زنده در زیر آوارها پایان یافته است.

براساس گزارش‌ها، پنج روز پس از وقوع زلزله مرگبار، هنوز کمک کافی به شمال سوریه نرسیده و کمیساری حقوق بشر سازمان ملل متحد خواهان آتش‌بس در



۸صبح، کابل: اکانومیک تایمز گزارش داده است که پاکستان در اثر فشار غرب، از اشتراک در نشست مسکو که در مورد افغانستان برگزار شده بود، خودداری کرده است.

این رسانه روز شنبه، ۲۲ دلو، با نشر گزارشی به نقل

دولت بایدن شش شرکت مرتبط به هوافضای ارتش چین را در فهرست تهدید علیه امریکا اضافه کرد



پس از آن که روابط واشنگتن و بیجینگ بر سر پرواز بالون تجسسی بر فراز امریکا پرتنش شد، اکنون دولت بایدن بر دست‌یابی شش شرکت مرتبط به ارتش چین به فناوری امریکا بدون مجوز دولتی محدودیت وضع کرده است.

سی‌ان‌ان روز شنبه، ۱۱ فبروری، گزارش داده است که این محدودیت از سوی وزارت تجارت امریکا اعمال شده است.

شرکت فناوری هوافضای بیجینگ (Nanjiang)،

موسسه تحقیقاتی ۴۸ (شرکت گروه فناوری الکترونیک

چین، فناوری سنجش از دور (Dongguan Lingkong)،

گروه علم و فناوری هوانوردی مردان

عقاب، گروه فناوری هوانوردی Hi-Xiang-

گروه علوم و فناوری هوانوردی مردان

شانشی ایگلز از شرکت‌هایی‌اند که بر آنان محدودیت

وضع شده است.

گفته می‌شود این شش شرکت چینی با بالون

تجسسی‌ای که از سوی جنگنده‌های امریکا ساقط

شده، مرتبط‌اند.

در همین حال، گفته شده است که وضع محدودیت بر این شرکت‌ها از سوی وزارت تجارت امریکا پیامی روشن به شرکت‌ها، دولت‌ها و سایر ذی‌نفعان در سطح جهانی است که نهادهای موجود در فهرست تهدید امنیت ملی امریکا هستند.

آلن استیوز، معاون وزیر تجارت در امور صنعت و امنیت امریکا، گفته است: «استفاده چین از بالون‌های ارتفاع بالا، حاکمیت ما را نقض و امنیت ملی امریکا را تهدید می‌کند.»

پس از سقوط این بالون، امریکا اعلام کرد که این

بالون تجسسی بخشی از یک برنامه نظارتی نظامی با

قابلیت کشف و دریافت سیگنال‌های اطلاعات، حدود

۴۰ کشور را هدف قرار داده بود.

چین اما گفته است که این بالون برای اهداف

آب‌وهوایی استفاده می‌شده است.

امریکا اواخر هفته گذشته بالون تجسسی چین را

در آسمان کارولینای جنوبی ساقط کرد؛ اتفاقی که

باب تازه‌ای از تنش‌های سیاسی میان واشنگتن و

بیجینگ را گشوده است.

زخمیان دیدار کرد.

دیده‌بان حقوق بشر سوریه در جدیدترین گزارش خود

پیش‌بینی کرده، تعداد سوری‌هایی که در اثر زلزله

ویرانگر کشته شده‌اند از شش هزار تن هم بیشتر است.

خبرگزاری آناتولی نیز گزارش داده است که تاکنون در

مناطق زلزله‌زده در ترکیه یک‌هزار و ۸۹۱ پس‌لرزه ثبت

شده و از این مناطق ۹۲ هزار و ۶۹۷ تن تخلیه شده‌اند.

این در حالی است که یک منبع از سفارت افغانستان در

ترکیه نیز به روزنامه ۸صبح گفته که در پی زمین‌لرزه‌های

مرگبار در این کشور، تاکنون اجساد ۱۶۰ شهر و ند

افغانستان از زیر آوار بیرون کشیده شده است.

به گفته منبع، تا فعلاً اجساد ۷۳ فرد بزرگ‌سال و ۵۲

کودک در شهر هاتای و اجساد ۳۵ تن دیگر از شهر

ادی‌امانگ ترکیه از زیر آوار بیرون کشیده شده و به ثبت

رسیده است.

اکانومیک تایمز: پاکستان تحت فشار غرب از اشتراک در نشست مسکو صرف نظر کرد

وزارت امور خارجه پاکستان، روز پنج‌شنبه، ۹ فبروری، در نشست خبری هفته‌وار این وزارت گفت که نماینده کشورش به دلیل حضور هند در نشست امنیتی مسکو در مورد افغانستان، در آن نشست اشتراک نکرده است.

پنجمین نشست چندجانبه دبیران شوراهای امنیت کشورهای منطقه در مورد افغانستان که روز چهارشنبه در مسکو برگزار شد، با حضور مقام‌های ارشد امنیتی روسیه، چین، هند، ایران، قزاقستان، قرقیزستان، تاجیکستان، ترکمنستان و اوزبیکستان برگزار شد.

گفتنی است که در این نشست از گروه طالبان دعوت نشده بود و اشتراک‌کننده‌گان در آن، از اوضاع امنیتی در افغانستان ابراز نگرانی کرده و خواهان تشکیل حکومت فراگیر در کشور شدند.

از منابع آگاه نگاشته که ممکن است پاکستان از گفت‌وگوهای منطقه‌ای در سطح مشاور امنیت ملی در مورد افغانستان که در مسکو تشکیل شده بود، تحت فشار غرب صرف نظر کرده باشد.

در گزارش آمده است: «غیبت بی‌سابقه پاکستان، یک بازیگر کلیدی در افغانستان، چند روز پس از سفر بلاول بوتو، وزیر امور خارجه این کشور به مسکو، به هدف دست‌یابی به توافق انرژی با روسیه، باعث نگرانی‌ها شده است.»

گفته شده است که پاکستان قبلاً متعهد شده بود که در نشست مربوط به افغانستان شرکت کند، اما متعاقباً از آن خارج شد.

این در حالی است که ممتاز زهرا بلوچ، سخنگوی

فساد و فقر در آلبانیا؛

هزاران تن در مقابل دفتر نخست‌وزیری اعتراض کردند

هزاران تن از حامیان مخالفان دولت آلبانیا به آن چه که فقر و فساد در ادارات دولتی عنوان می‌کنند، دست به اعتراض زدند.

خبرگزاری رویترز روز یک‌شنبه، ۱۲ فبروری، گزارش داده است که معترضان دولت ادی رامای را به فساد متهم می‌کنند و می‌گویند که هزینه‌های بلند زنده‌گی، مردم را مجبور به ترک کشور کرده است.

معترضان به رهبری سالی بریشا، رهبر مخالفان، ترقه‌هایی را به سمت ورودی ادارات دولتی پرتاب کرده‌اند که در آن صدها پولیس با تجهیزات ضد شورش مانع ورود معترضان به ساختمان‌ها شده‌اند.

بریشا، رئیس‌جمهور پیشین آلبانیا و رئیس اپوزیسیون حزب دموکرات این کشور، خواستار استعفا ادی رامای، نخست‌وزیر آلبانیا، شده است.

با این حال، رامای که سومین دوره نخست‌وزیری خود را پشت سر می‌گذارد، همه اتهامات فساد علیه خودش را رد کرده است.

این اعتراضات در حالی شکل گرفته است که جهان به‌طور روزافزون با فقر و گرسنگی مواجه است؛ پدیده‌ای که منجر به شعله‌ورتر شدن خشم مردم در صفوف اعتراضات مدنی در کشورهای مختلف شده است.



زمین لرزه‌های مرگبار ترکیه؛

تاکنون مرگ ۱۶۰ شهروند

افغانستان تأیید شده است

۸صبح، کابل: محمد مصدق فقیری، معاون سفارت افغانستان در ترکیه می‌گوید که در پی زمین‌لرزه‌های مرگبار این کشور، تاکنون اجساد ۱۶۰ شهروند افغانستان از زیر آوار بیرون کشیده شده است.

معاون سفارت افغانستان در ترکیه روز شنبه، ۲۲ دلو، به روزنامه ۸صبح می‌گوید که این آمار نهایی نیست و ممکن افزایش یابد.

آقای فقیری می‌افزاید که تا فعلاً اجساد ۷۳ فرد بزرگ‌سال و ۵۲ کودک در شهر هاتای و اجساد ۳۵ تن دیگر از شهر ادی‌امانگ ترکیه از زیر آوار بیرون کشیده شده و به ثبت رسیده است.

بربنیاد اطلاعات معاون سفارت افغانستان در ترکیه، هیات سفارت امروز به شهر غازیانتپ، از محلات اصلی وقوع زمین‌لرزه رفته و پس از آن به سایر ساحات باقی‌مانده خواهد رفت.

اطلاعات محمد مصدق فقیری حاکی از آن است که واحد هماهنگی در سفارت ایجاد شده و کمک‌ها نیز علاوه بر کمک ۶۵ کشور، از سوی تجار افغان، بنیادهای خیریه و افغان‌های ساکن در ترکیه بسیج شده است.

آقای فقیری تأکید می‌کند که در بخش انتقال اجساد از ترکیه به افغانستان نیز آماده‌گی‌هایی روی دست گرفته شده است.

براساس اطلاعات به دست آمده، در حال حاضر حدود ۴۰۰ هزار شهروند افغانستان در ترکیه زنده‌گی می‌کنند که از این میان ۵۰ هزار تن دارای مدرک اقامت، ۱۲۰ هزار تن ثبت بخش‌های سازمان ملل بوده و شمار باقی‌مانده به‌گونه غیرمجاز در این کشور به سر می‌برند.